

## محیط زیست و توسعه

دین و توسعه بر سر دوراهی: نزدیکی و همگرایی یا جدایی و واگرایی

بیانیهٔ جامعهٔ بین‌المللی بهائی خطاب به اجلاس سران جهان برای توسعهٔ پایدار

ژوهانسبورگ، آفریقای جنوبی، ۲۶ اوت ۲۰۰۲ میلادی

در طول قرن بیستم، تعصبات قومی، نژادی و ملی به نحو فزاینده‌ای جای خود را به شناخت و تصدیق این واقعیت داده‌اند که نوع بشر یک خانوادهٔ واحد و کرهٔ ارض و وطن مشترک این خانواده است.<sup>(۱)</sup> سازمان ملل متحد، که در واکنش نسبت به مراحل اولیهٔ این شناخت، به وجود آمد، به نحو خستگی‌ناپذیری برای ایجاد جهانی فعالیت کرده که تمام ملل و اقوام بتوانند در آن در کمال اتفاق و آرامش در کنار یکدیگر زندگی کنند. سازمان ملل برای کمک به ایجاد چنین جهانی، چارچوب قابل توجهی از مؤسسات، جریانات، کنوانسیون‌ها و برنامه‌هایی برای اقدامات جهانی فراهم آورده که به جلوگیری از منازعات و جنگها، به حمایت از حقوق بشر، برای ترویج تساوی بین زنان و مردان، ارتقاء شرایط مادی افراد و جوامع بیشمار کمک کرده است.

علیرغم این موفقیت‌های بارز، سازمان ملل متحد هنوز باید نقش سازنده‌ای را که دیانت می‌تواند در ایجاد یک نظام جهانی صلح‌آمیز و موفق ایفا نماید و نیز تأثیر مخربی که ارتجاع مذهبی می‌تواند بر ثبات و ترقی جهان داشته باشد، درک نماید. این بی‌توجهی به دیانت را به وضوح در جهان توسعه می‌توان مشاهده کرد. در اینجا سازمان ملل متحد عمدهٔ جوامع مذهبی را صرفاً به عنوان مجاری برای تحویل کالاها و خدمات و به عنوان مکانیزمی جهت اجرای سیاستها و برنامه‌های توسعه تلقی کرده است. بعلاوه، در حالی که دستگاه حقوق بشر سازمان ملل متحد برای محکوم کردن حرکت‌های ایذایی و نابردباریهای مذهبی مورد بهره‌برداری قرار گرفته<sup>(۲)</sup>، برنامه‌ها و سیاستهای توسعهٔ سازمان ملل متحد<sup>(۳)</sup> هنوز برای بررسی تعصب و تحجر مذهبی به عنوان مانعی عمده بر سر راه صلح و رفاه شروع نشده است.<sup>(۴)</sup>

روز به روز واضح تر و بدیهی تر می شود که عبور به مرحلهٔ اعلای جریان طولانی عصر طلایی سازماندهی کرهٔ ارض به عنوان خانهٔ واحد برای تمامی خانوادهٔ بشری در خلأ روحانی امکان پذیر نیست. در آثار بهائی با اطمینان اظهار شده است که دین "سبب ترقّی و سعادت ملل بوده" (۵) و "سبب عزّت قدیمهٔ عالم انسان است ... سبب ترقّی جمیع ملل است." (۶) دین منشأ امید و معنی برای اکثریت عظیمی از سکنهٔ ارض است، و نیرویی نامحدود در دمیدن شوق ایثار، فداکاری، تحوّل و تعهد درازمدت در پیروان خود دارد. (۷) بنابراین، یک جامعهٔ صلح آمیز و مرقّه جهانی، جامعه‌ای که تنوعی تماشایی از فرهنگها و ملل را پرورش می دهد، قابل درک نیست که بتواند بدون مشارکت مستقیم و عمدهٔ ادیان بزرگ عالم در طراحای و حمایت از آن، تثبیت گردد و دوام آورد. (۸)

در عین حال این نکته را نمی توان منکر شد که قوهٔ دین از مسیر صحیح خود منحرف شده و در طریق تحریک همسایه علیه همسایه مورد استفاده قرار گرفته است. در آثار بهائی آمده است، "دین باید سبب الفت باشد و سبب ارتباط بین بشر باشد، رحمت پروردگار باشد و اگر دین سبب عداوت شود و سبب جنگ گردد عدمش بهتر، بی دینی به از دین است." (۹) مادام که به خصوصتهای دینی اجازه داده شود عالم را بی ثبات سازند، پروراندن یک الگو و نمونهٔ جهانی از توسعهٔ پایدار، که هدف این اجلاس می باشد، امکان پذیر نیست.

### دیانت و سازمان ملل متحد با هم برای صلح و عدالت فعالیت می کنند

با توجه به سابقهٔ ارتجاع مذهبی، این نکته را می توان درک کرد که سازمان ملل متحد در دعوت از ادیان برای شرکت در مذاکراتش طریق تعلّل و درنگ را بیوید. معهدا، سازمان ملل متحد دیگر نمی تواند از منافع بیشماری که ادیان نصیب عالم نموده و خواهند نمود، یا مشارکتهای حیات بخش و گسترده‌ای که آنها برای تأسیس و تثبیت یک نظم جهانی صلح آمیز، پایدار و دارای توفیق روزافزون می توانند به عمل آورند صرف نظر کرده آنها را نادیده بگیرد. مسلماً سازمان ملل متحد در تأسیس چنین نظم جهانی فقط تا بدان حدّ توفیق خواهد یافت که از قوه و دیدگاه دین بهره ببرد. این کار مستلزم پذیرفتن دین نه صرفاً به عنوان وسیله‌ای برای تحویل و اجرای ابتکارات مربوط به توسعه، بلکه به عنوان یک شریک فعال در مفهوم سازی، طراحای، اجرا و ارزیابی سیاستها و برنامه‌های جهانی است. (۱۰) مانعی که

سازمان ملل متحد و ادیان را از یکدیگر جدا ساخته و از لحاظ تاریخی توجیه شده است (۱۱)،  
باید به خاطر ضروریات و مقتضیات جهانی که برای وصول به وحدت و عدالت در حال سعی و  
مجاهده است، فرو ریزد. (۱۲)

اما، مسئولیت حقیقی متوجه خود ادیان است. پیروان ادیان، و مهم تر از آن، رهبران  
ادیان باید نشان دهند که شرکای ارزشمندی در رسالت عظیم ایجاد یک مدنیت جهانی پایدار  
هستند. این امر مستلزم آن است که رهبران دینی وجداناً و به نحوی خستگی ناپذیر برای دفع  
تعصب و خرافات مذهبی (۱۳) از سنن و آداب مذهبی خود فعالیت کنند. این ایجاب می کند که  
آنها آزادی وجدان را برای تمامی انسانها، از جمله پیروان خودشان بپذیرند (۱۴) و ادعاهای  
انحصار طلبی و خاتمیت دینی را بالمره مردود شمارند. (۱۵)

نباید تصور کرد که پذیرفتن دین به عنوان شریکی در داخل سازمان ملل متحد بگفته  
صورت خواهد گرفت، بلکه پذیرش آن تدریجی خواهد بود و نباید تصور نمود که عداوت های  
مذهبی بزودی از بین خواهد رفت. اما نیاز مبرم خانواده بشر هر گونه تأخیری در توجه به نقش  
دین را غیر قابل قبول می سازد.

#### دین و سازمان ملل متحد: قدمهای احتمالی بعدی

سازمان ملل متحد در ایفای مسئولیت خود ممکن است جریان را عمده با وارد ساختن  
دین در مذاکرات مربوط به آینده نوع بشر شروع کند و این کار را، شاید بنا به دعوت دبیر کل، با  
ترتیب دادن اجتماع اولیه ای از رهبران مذهبی عملی سازد. در اولویت اول، رهبران ممکن  
است ضرورت تهیه و تصویب، حتی المقدور فوری، پیش نویس کنوانسیون در مورد آزادی  
دین و عقیده توسط دولتهای عالم، با مساعدت جوامع مذهبی را مد نظر قرار دهند. (۱۶) چنین  
اقدامی از سوی رهبران دینی جهان، که دال بر تمایل آنها به پذیرش آزادی وجدان برای نفوس  
خواهد بود، به نحو بارزی موجب کاهش تنش در جهان خواهد شد. این اجتماع می تواند  
تأسیس یک میزگرد دائمی مذهبی در سیستم سازمان ملل متحد را نیز مورد بحث قرار دهد.  
الگوی آن شاید در بدایت امر بتواند میزگرد دائمی در خصوص مواضع مربوط به  
بومیان (۱۷) باشد که اخیراً در سازمان ملل متحد تأسیس شد. تأسیس این هیأت قدم اولیه  
مهمی به سوی وارد ساختن کامل دین در فعالیت سازمان ملل متحد برای ایجاد نظم جهانی  
صلح آمیز خواهد بود. (۱۸)

رهبران مذهبی در ایفای وظیفه خود، باید نشان دهند که ارزش شرکت در چنین میزگرد بحث و مذاکره‌ای را دارند. تنها آن دسته از رهبران مذهبی، که برای پیروان خویش روشن نمایند که تعصب، تحجّر و خشونت در زندگی یک شخص مذهبی جایی ندارد، باید برای مشارکت در فعالیت‌های این هیأت دعوت شوند.

### حکومت صلح و عدالت موعود

بدیهی است سازمان ملل متحد هر چه مشارکت هدفمند دین در فعالیت‌هایش را بیشتر به تأخیر اندازد، عالم بشری از لطمات تفرقه و بی‌عدالتی بیشتر متضرر خواهد شد. (۱۹) این نکته نیز به همان میزان روشن است که مادام ادیان عالم ارتجاع و کهنه‌اندیشی را مردود شمارند و در کمال صمیمیت برای امحاء آن از میان نفوس و مردم خود فعالیت نکنند، صلح و رفاه جز امری واهی و موهوم نخواهد بود. مسلماً، مسئولیت‌بلاهایی که بر عالم انسانی مستولی است، عمده‌متوجه رهبران مذهبی است. آنها باید برای خاتمه دادن به نفرت، انحصارطلبی، سرکوبی وجدان، نقض حقوق بشر، انکار برابری، مخالف با علم، تجلیل ماده‌گرایی، خشونت و تروریسم، که به نام حقیقت دینی صورت می‌پذیرد، فریاد برآورند. بعلاوه، پیروان جمیع ادیان باید زندگی خویش را متحوّل سازند و ردای خدمت برای رفاه دیگران به برکنند، و به این ترتیب در تحقق حکومت صلح و عدالت بر وجه ارض که از قدیم‌الایام بشارت داده شده است مشارکت نمایند.

\*\*\*\*\*

### یادداشتها

- ۱- به موازات این شناخت، این آگاهی نیز ایجاد شده است که، مادام حقوق بشر به طور منظم و مرتب نقض می‌گردد، زنان از حقوق برابر محروم می‌شوند، اقلیت‌های قومی و نژادی در معرض تبعیض قرار دارند، لطمات و زیانهای فقر نادیده گرفته می‌شود، و حاکمیت لجام‌گسیخته ملّی اعمال می‌گردد، صلح عالم و رفاه جهانی مستحیل و محال است.
- ۲- متأسفانه، قادر نبوده‌ و رای اعلامیه‌ ازاله جمیع اشکال نابردباری و تبعیض مبتنی بر دین و عقیده

حرکت کند و یک کنوانسیون آزادی عقیده و دین فراهم آورد. توانایی سازمان ملل متحد برای تبدیل بیانیه‌های مجمع عمومی در مورد نژاد و زنان به کنوانسیونها صرفاً ناکامی این سازمان در زمینه دین و عقیده را نمود می‌بخشد و برجسته‌تر نشان می‌دهد، یعنی بعد از تهیه اعلامیه امحاء جمیع آشکال تبعیض نژادی، و اعلامیه رفع تبعیض علیه زنان، سازمان ملل متحد کنوانسیون بین‌المللی در مورد رفع جمیع آشکال تبعیض نژادی و کنوانسیون رفع جمیع آشکال تبعیض علیه زنان را تهیه و تدارک دید.

۳- اگرچه برخی از برنامه‌ها برای اقدامات جهانی از کنفرانس‌های اخیر سازمان ملل متحد حاکی است که سوء استفاده از دین مورد موافقت برای توسعه می‌باشد، اما اشارات معدودی که این برنامه‌ها دارند نه گویای تأثیرات تعصب، تحجر و خشونت مذهبی بر توسعه و امنیت است و نه راه‌حلهای قابل توجهی ارائه می‌دهند. (برای مثال، به اعلامیه وین و برنامه اقدام (II-22, 38)؛ اعلامیه کپنهاک و برنامه برای اقدام (69)؛ خط مشی اقدام چهارمین کنفرانس جهانی زنان (24, 80(f), 131, 224)؛ دستور کار زیستگاه (25)؛ ما مردم: نقش سازمان ملل متحد در قرن بیستم (200)؛ و اعلامیه کنفرانس جهانی علیه نژادپرستی، تبعیض نژادی، بیگانه‌ستیزی، و نابردباری‌های مرتبط (59, 60) توجه نمایند).

دستور کار ۲۱ (Agenda 21) دین را ذکر می‌کند، اما هیچ اشاره‌ای به تأثیر سوء استفاده از دیانت بر توسعه نمی‌نماید (به دستور کار ۲۱ (i), 36.13, 6.12, 6.32, 6.34 (a), 6.1, 6.3, 5.53 (a) مراجعه کنید). بعلاوه، برنامه برای اجرای بیشتر دستور کار ۲۱، که در اجلاس زمین + ۵ (Earth Summit + 5) فراهم آمد، ابدأ اشاره‌ای به دین ندارد، و پیش‌نویس برنامه اجرا جهت اجلاس سران برای توسعه پایدار که در جلسه چهارمین کمیته مقدماتی (۲۷ مه الی ۷ ژوئن ۲۰۰۲) مورد بحث قرار گرفت، فقط یک بار، آن هم تنها در زمینه تضمین این که ارائه خدمات اولیه مراقبت بهداشتی منطبق با شماره ۸۲۳۰ و ارزشهای فرهنگی و مذهبی می‌باشد، به دین اشاره می‌کند (A/CONF199/PC/L.5, #45). حذف تأثیرات مخرب ارتجاع مذهبی بر توسعه پایدار از برنامه‌های مربوط به اقدامات جهانی صادره از اجلاس زمین، اجلاس زمین + ۵، و اجلاس سران برای توسعه پایدار، با توجه به این که برخی از کنفرانسهای دهه ۱۹۹۰، حداقل، نسبت به نابردباری مذهبی ابراز نگرانی نمودند، بیشتر موجب تحیر می‌گردد.

۴- در مساعی مبذوله جهت مبارزه با تروریسم، سازمان ملل متحد در پرداختن به ارتجاع مذهبی با تردید رفتار کرده است. سازمان ملل طی یک رشته قطعنامه‌ها، پیمانها و اقدامات، طالب معاونت و معاضدت هماهنگ بین‌المللی برای مبارزه با تروریسم شده آن را یکی از جدی‌ترین تهدیدها برای

صلح و امنیت بین‌المللی در سده بیست و یکم" و مغایر و مضرّ به حال "ثبات و رفاه جهانی" خوانده است ((S/RES1377 (2001)). معهدا، در همان زمان، سازمان ملل متحد در تعیین ارتجاع مذهبی به عنوان منشائی برای تروریسم سکوت اختیار کرده، اگر هم اشاره‌ای به آن داشت، عمده غیرمستقیم و فی‌المثل با این عبارت بوده است، "تروریسم منبعث از نابردباری یا افراط‌گرایی" (S/RES1373 (2001)). در آن موارد معدود که آن را مستقیماً ذکر کرده، شامل فهرستی از توجیحات بوده است، فی‌المثل، "اقدامات ننگین جنایتکارانه که مقصود از آن ایجاد حالت ترس و ترور باشد، شماره ۸۲۳، ملاحظات مربوط به ماهیت سیاسی، فلسفی، ایدئولوژیکی، نژادی، قومی، مذهبی و غیره که بدان تشبّث شده هر چه باشد، توجیه‌ناپذیر هستند" (A/RES/55/158، پاراگراف ۲ - به A/57/37، ضمیمه III، ماده ۵، گزارش کمیته موقت (مأمور تهیه پیش‌نویس کنوانسیون جامع در خصوص تروریسم بین‌المللی) که با قطعنامه 51/210 مجمع عمومی مورخ ۱۷ دسامبر ۱۹۹۶ رسمیت یافت؛ و کنوانسیون بین‌المللی برای ممانعت از تأمین بودجه تروریسم، ماده ۶ نیز مراجعه کنید). جالب توجه آن که، حتی قطعنامه‌های مختلف صادره توسط شورای امنیت، مجمع عمومی و کمیسیون حقوق بشر در پاسخ به اقدامات تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱، از شناسایی ارتجاع مذهبی به عنوان قوه حیات‌بخش این اقدامات خودداری نمود (برای یافتن اشاراتی به این انگیزه ارتجاعی، شخص باید به سخنرانی‌های دبیرکل سازمان ملل متحد توجه کند: "ما مشغول مجاهده‌ای اخلاقی برای مبارزه با شرارتی هستیم که در نظر جمیع ادیان حکم تکفیر را دارد." پیام SG/SM8013 کوفی عنان، دبیرکل سازمان ملل خطاب به کنفرانس ورشو برای مبارزه با تروریسم، مورخ ۶ نوامبر ۲۰۰۱) این درنگ و تأمل در شناسایی و قویاً محکوم کردن تعصّب و تحجّر مذهبی که اقدامات تروریستی را برمی‌انگیزد موجب تضعیف تأثیر و کارایی مساعی سازمان ملل متحد برای خاتمه بخشیدن به تروریسم بین‌المللی می‌گردد. زیرا، تنها با شناسایی و درک انگیزه خاصی که مبنای چنین اقداماتی می‌باشد می‌توان با آنها به طور مؤثر مبارزه کرد.

۵- خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۳۰۷

۶- همان مأخذ

۷- دیانت به طور کلی استعداد جماعات را برای عشق ورزیدن، مورد عفو قرار دادن، خلق کردن، تهوّر داشتن، بر تعصّبات غلبه کردن، برای خیر عموم ایثار کردن و تحت انضباط در آوردن غرائز نفسانی و حیوانی، الهام بخشیده است. دین که در مقابله با تمام ناملازمات و مخالفت‌ها و با ادنی حمایت و تأیید در خور توجهی، بقا و پایداری میلیونها نفوس مؤمن به دین را تداوم بخشیده و در

۷ تمامی سرزمینها به پرورش قهرمانان و نفوس مقدسه‌ای می‌پردازد که زندگی آنها قانع‌کننده‌ترین دفاع و حمایت از اصولی است که در کتب مقدسه ادیان آنها موجود و مسطور می‌باشد. مسلماً، حدود و احکام اساسی و اصول بنیادی دین، در سراسر قرون و اعصار، تار و پود بافت اجتماعی را تشکیل داده، نفوس را در جوامع وحدت بخشیده و به عنوان مرجع غایی در معنی و جهت بخشیدن به زندگی فردی و جمعی خدمت نموده است.

۸- دفاع از این عقیده امکان‌پذیر نیست که یک رژیم بین‌المللی حقوق بشر بتواند به عنوان قوه‌ای که قادر به القاء ایثار و فداکاری عمیق و نیز ایجاد تحولات وسیع و گسترده لازم برای اتحاد و برقرار صلح در عالم انسانی باشد و در این زمینه جایگزین مقصود و مرام دینی گردد. اگرچه این نکته صحیح است که ضوابط و معیارهای بین‌المللی حقوق بشر عمده بر اصولی مبتنی است که ریشه در ادیان بزرگ جهان دارد، اما این رژیم، که بر پای خود و اصول خود، که منفک و مجزا از اهداف دینی است، قائم می‌باشد، نمی‌تواند دیدگاه و تعهد اخلاقی لازم برای تثبیت و استمرار صلح و عدالت جهانی را تحقق بخشد. در واقع، حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و بنیادی، اگر از فضائلی که تمامی ادیان تعلیم می‌دهند، مانند مهربانی، بخشش، شفقت، سخاوت، محبت، ایثار، مسئولیت و خدمت به دیگران، منفک و مجزا باشد، غالباً برای توجیه فردگرایی خودخواهانه، شیوه‌های زندگی ضد اجتماعی، افراط در مصرف، نسبیّت در امور اخلاقی، افزایش قدرت فرهنگی و میهن‌پرستی افراطی ملی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

۹- خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۱۴۶ - این اصل مکرراً در آثار مقدسه بهائی مورد تأکید قرار گرفته است، فی‌المثل، "اگر دین سبب قتال و درندگی شود، آن دین نیست، بی‌دینی بهتر از آن است" (خطابات مبارکه، ج ۲، ص ۲۲۷). "اگر دیانتی سبب نفرت و انشقاق گردد، عدمش بهتر از وجودش است. عدم تبعیت از چنین دینی بهتر از تبعیت از آن است." (ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۲۸ کتاب 'Abdu'l-Baha in London, Baha'i Publishing Trust, Oakham, England, 1982). "اگر دیانتی سبب بیزاری، نفرت و انشقاق گردد، عدمش بهتر از وجودش است و دوری‌گزیدن از آن فی‌الحقیقه ایفای یک وظیفه دینی است." (ترجمه - بیان حضرت عبدالبهاء مندرج در صفحه ۱۳۰ کتاب Paris Talks نشر یازدهم، ناشر: Baha'i Publishing Trust, London, 1969)

۱۰- اگرچه اصول دینی تأثیری ملموس و محسوس بر سازمان ملل متحده، و بیش از همه در زمینه حقوق بشر، داشته‌اند، اما هنوز سازمان ملل متحد ادیان جهان را به عنوان شرکای حقیقی و اصیل در کار خویش نپذیرفته است. مشارکت سازمانهای دینی غیردولتی در برخی از فعالیت‌ها در سازمان

ملل متحد، احساسات مذهبی که سازمان ملل متحد و مقامات دولتی گاهی در مذاکرات خویش ابراز می‌دارند، جایگاه ناظر دائمی که توسط پاپ (به نمایندگی دولت واتیکان) احراز شده است، و سایر وسایلی از این دست، که از طریق آنها گاهی آراء و صدای دین در سازمان ملل متحد شنیده شده است، به سختی می‌توان گفت که متضمن مشارکت معتنابه و اساسی دینی در مذاکرات و کار تعقلی و ادراکی سازمان ملل متحد می‌باشد. با توجه به این که کتب مقدسه دینی جهان یک عصر صلح جهانی و اتحاد و اتفاق عالم‌گیر را وعده می‌دهند، عصری که تأسیس آن، هدف اصلی سازمان ملل متحد می‌باشد، این عدم مشارکت حیرت‌آور است.

۱۱- برای ملاحظه دیدگاه جالبی از تأثیر سازمانهای غیر دولتی دینی در سازمان ملل متحد به Religion and Public Policy at the UN, Religion Counts, 2002 مراجعه کنید.

۱۲- ابتکاراتی چون گفتگوی ادیان عالم برای توسعه (World Faiths Development Dialogue) (یک ابتکار جمعی بین بانک جهانی و چند دیانت جهانی)، و اجلاس جهانی هزاره سران مذهبی و رهبران روحانی را (اجتماعی جهانی از رهبران مذهبی که، جزئی از آن، در تالار مجمع عمومی سازمان ملل متحد تشکیل شد و مقامات سازمان ملل متحد را درگیر ساخت، اما رسماً توسط سازمان ملل متحد تقویت نشد) می‌توان به عنوان قدمهای اولیه‌ای تلقی کرد که به طور غیر مستقیم دین را وارد امور سازمان ملل متحد کرده است. سازمان ملل متحد، باید به چنین قدمهای ناچیز ابتدایی تکیه نموده مکانیزمها و فرایندهایی را تأسیس نماید تا به طریقی هدفمند، ارزشها، آرمانها و دیدگاه دینی را وارد قلب سازمانی جهانشمول، یعنی سازمان ملل متحد، نماید.

۱۳- رهبران دینی لازم خواهد بود علم و دین را به عنوان دو نظام حیاتی و ضروری دانش بپذیرند که برای ترقی و پیشرفت عالم انسانی باید با یکدیگر کار کنند. در عین حال، نفوسی که ارتباط دین با راه حل مسائل به ظاهر غیر قابل حلی را که فرا روی عالم انسانی قرار دارد انکار می‌کنند، با اذهانی فارغ از تعصب، باید به بینشها و هدایات دین برای اطمینان از کاربرد صحیح و مناسب دانش و مهارت‌های حاصل از تحقیقات علمی بنگرند. یکی از اصول اساسی امر بهائی عبارت از انطباق دین و علم است: "خداوند به انسان موهبت عقل و منطق را عنایت کرده تا به این وسیله حقیقت مسائل و قضایا را تعیین کند. اگر آراء و عقاید مذهبی مخالف با موازین علمی باشد، صرف اوهام و خرافات است؛ چه که ضد علم، جهل است، و ولید جهالت عبارت از اوهام است. پس تردیدی نیست که باید بین علم و دین حقیقی توافق وجود داشته باشد. اگر مسأله‌ای مخالف عقل و منطق مشاهده شود، ایمان و عقیده به آن مستحیل است، و نتیجه جز تردید و تزلزل نیست." (ترجمه - Promulgation of Universal Peace, Baha'i Publishing)



۱۴- میدان دادن به آزادی و وجدان شامل اجازه دادن به افراد برای تحرّی حقیقت، مطالعه و شناخت سایر ادیان، تغییر دین خود در صورت تمایل می‌باشد. آثار بهائی تأکید می‌کند که زور و اکراه در مواضع دینی و عقیدتی عبارت از نقض امر الهی است: "وجدان انسانی مقدّس و محترم است." (مقاله شخصی سیّاح، طبع ۱۰۲ بدیع، لجنه ملّی نشریات امری، صفحه ۷۱). مسلماً، صفت بارز و مشخصه انسان این است که هر فردی حقیقت را برای خود و بالاستقلال تحرّی نماید، آزادانه دیانت خویش را برگزیند و خداوند را به طریقی که صحیح می‌داند عبادت کند.

۱۵- برای این که اینگونه جزم‌اندیشی‌ها را پشت سر گذاریم باید به این عقیده و نظر روی آوریم که ماهیت و منشأ تمامی ادیان بزرگ عالم به طور یکسان دارای اعتبار و احترام است و آنها وجوه مختلف یک فرایند واحد در حال تکامل و متمدّن‌کننده الهی است که استعداد نوع بشر را خلوص و پاکی می‌بخشد تا بشناسد، عشق بورزد و خدمت کند. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند، "شکّی نیست جمیع احزاب بافق‌اعلی متوجّهند و بامر حقّ عامل" (مجموعه الواح طبع مصر، ص ۲۸۴). آینده مدنیّت نهایتاً مبنی بر پذیرفتن یا رد کردن این درک از ماهیت و منشأ ادیان بزرگ جهان است.

۱۶- سایر مساعی اولیه ممکن است شامل تهیه و تصویب کنوانسیون‌های بین‌المللی در خصوص تعلیم و تربیت و نیز رسانه‌های گروهی باشد. این کنوانسیونها باید، با تکیه بر کنوانسیون مبارزه با تبعیض در تحصیل، بدون ادنی محافظه‌کاری، نفوسی را که به نام دین از تحصیل و رسانه‌های گروهی برای سرکوب آزادی وجدان و ترویج تحزّب، تشنّت، نفرت، تروریسم، خشونت و خونریزی استفاده می‌کنند، محکوم نماید و قویاً مجازات کند. نسبت به مؤسّسات و ابتکارات آموزشی، یا سیاست‌ها و برنامه‌های رسانه‌ای، اعم از عمومی یا خصوصی، که در خدمت ترویج چنین نگرش‌ها و سلوک‌هایی هستند، هیچگونه مدارایی نباید وجود داشته باشد.

#### ۱۷- Permanent Forum on Indigenous Issues

۱۸- این نظریه که تنوع ادیان مانعی بر سر راه تأثیر احتمالی مشارکت ادیان در سازمان ملل متحد خواهد بود، قابل تردید و سؤال برانگیز است. ادیان عالم حاوی حقایق روحانی مشترک بسیاری هستند و به نحوی فزاینده، در تمامی سطوح، تشکیل اجتماعات می‌دهند تا آرمانها و ارزشهای مشترکشان را کشف کنند، برای ثمربخشی سیاستها و برنامه‌های دولتی فعالیت نمایند، و مجموعه‌ای از ابتکارات را به مرحله اجرا در آورند. در واقع، دیدگاه مشترکی نسبت به آینده صلح‌آمیز، که تمامی ادیان بزرگ عالم بدان معتقدند، نشان دهنده ایثار، انرژی و منابع عظیمی است که مشارکت دینی در

سازمان ملل متحد می‌تواند برای تحقق رسالت جهانی این مؤسسه عظیم به آن هدیه کند.

۱۹- خطر در حال تزايد اشتعال نارِ منازعه و جنگی جهانی منبث از مسائل مذهبی فقط نیاز به شتاب در مشارکت مذهبی در فعالیت‌های سازمان ملل متحد را برجسته‌تر نشان می‌دهد. معهذاً، دولت مدنی، بدون مساعدت دیگران، نمی‌تواند بر چنین خطری غلبه نماید. این اندیشه را نباید به ذهن خطور داد که تشبث به بردباری و مدارای متقابل می‌تواند به تنهایی آتش خصومتها را که مدعی برخورداری از مجازات الهی است، خاموش سازد. وضعیت موجود از رهبری مذهبی دعوت می‌کند با همان قاطعیتی که نفوسی راه را برای جامعه گشودند تا تعصبات، به یک میزان، مخرب و فرساینده نژادی، جنسی و ملی را مورد بررسی قرار دهند، با گذشته قطع ارتباط کنند. هر توجیهی که برای تأثیر گذاشتن بر مواضع وجدان وجود داشته باشد در خدمت به رفاه عالم بشری نهفته است. در این اعظم نقطه عطف در تاریخ مدنیت، لزوم چنین خدمتی نمی‌تواند روشن‌تر و واضح‌تر باشد.